



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Iranian Criminal Policy in Article 381 of the Islamic Penal Code

Jamal Beigi^{1*} 

Abstract

Received:

05 Nov 2020

Revised:

08 Dec 2020

Accepted:

20 Dec 2020

Available Online:

01 Jan 2021

Background and Aim: This article tries to study the provisions of Article 381 of the Islamic Penal Code of 1392 based on the study of criminal policy and to point to the discourse of participatory criminal policy and its effects in the execution and fall of the sentence of premeditated murder in the book of retribution.

Materials and Methods: The research method in this paper is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: Ethical considerations regarding the writing of texts as well as references to sources were observed.

Findings: The findings of this study indicate that the prosecution of the offender and the punishment of retaliation in premeditated murder are subject to the request of the guardian, but in case of pardon and compromise with the offender, the responsibility in terms of public is left to official government authorities. Thus, in Iran's criminal policy, the guardians of the law, along with the government, the treasury and the Supreme Leader, participate in responding to the criminal phenomenon of premeditated murder.

Conclusion: In response to the violations of norms that occur in society, although in accordance with the provisions of the Islamic Penal Code, the determination and application of punishment is in the exclusive competence of the government. However, in determining, executing and dropping the punishment of retaliation, based on the teachings of jurisprudence, the victim and the guardian have been given an important role and position as the primary and secondary victims of premeditated murder. Islam can be mentioned.

Keywords:

Criminal Policy of Partnership, Avenger of Blood, Supreme Leader, Treasury, Retribution.

^{1*} Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

Email: jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir Phone: +984137457773

Please Cite This Article As: Beigi, J (2021). "Iranian Criminal Policy in Article 381 of the Islamic Penal Code". *Interdisciplinary Legal Research*, 1 (4): 1-13.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۱-۱۳)

سیاست جنایی ایران در ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی

جمال بیگی^۱

۱. دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

Email: jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۵ ویرایش: ۱۳۹۹/۹/۱۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۳۰ انتشار: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله می‌کوشد مقررات ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را بر پایه مطالعات سیاست جنایی بررسی و به گفتمان سیاست جنایی مشارکتی و جلوه‌های آن در اجرا و سقوط کیفر قتل عمدی در کتاب قصاص اشاره نماید.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی-تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متون و نیز ارجاع‌دهی به منابع رعایت گردید.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که تعقیب بزهکار و تعیین کیفر قصاص نفس در قتل عمدی، منوط به تقاضای ولی دم است که البته در صورت گذشت و مصالحه با بزهکار، پاسخ‌دهی از حیث جنبه عمومی به مراجع دولتی رسمی واگذار شده است. بدین ترتیب در سیاست جنایی ایران، اولیای دم نیز در کنار دولت، بیت‌المال و مقام رهبری در پاسخ به پدیده مجرمانه قتل عمدی مشارکت می‌نمایند.

نتیجه‌گیری: در پاسخ به نقض هنجارهایی که در جامعه رخ می‌دهد، هرچند برابر مقررات قانون مجازات اسلامی، تعیین و اعمال کیفر در صلاحیت انحصاری دولت است، لیکن در تعیین، اجرا و سقوط کیفر قصاص نفس، با تأسی از آموزه‌های فقهی، به مقتول و ولی دم به‌عنوان بزه‌دیده اولیه و ثانویه قتل عمدی، نقش و جایگاه مهمی داده شده است تا جایی که از سیاست جنایی افتراقی در گفتمان ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی می‌توان یاد کرد.

کلمات کلیدی: سیاست جنایی مشارکتی، ولی دم، مقام رهبری، بیت‌المال، قصاص نفس.

مقدمه

۱- بیان موضوع: یکی از جرائمی که همواره در کلیه جوامع بشری رخ می‌دهد قتل نفس هست. واکنش انسان‌ها در برابر قتل نفس در همه ادوار تاریخ متناسب با سطح آگاهی، فرهنگ و رشد عقلانی آن‌ها متفاوت و متغیر بوده است. در الواح دوازده‌گانه روم و در مجموعه قوانین حمورابی و در شریعت حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) قصاص وجود داشته و مورد قبول بوده است. در اسلام هم اصل قصاص با شرایطی مورد پذیرش قرار گرفته است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز با تأسی از آیات و روایات اسلامی، موادی را جهت حمایت از مقتول به‌عنوان بزه‌دیده اولیه و اولیای دم به‌عنوان بزه‌دیده ثانویه پیش‌بینی نموده است. ماده ۳۸۱ این قانون، مجازات قتل نفس را در صورت مطالبه اولیای دم قصاص دانسته که البته در صورت عدم تحقق شرایط از حیث دیه و تعزیر عمل می‌شود. بدین ترتیب دولت در اجرای قصاص همسو با اولیای دم، برای حمایت از مقتول و اولیای دم مشارکت می‌نماید. قانون‌گذار بایستی با اتخاذ سیاست جنایی متناسب با اوضاع و احوال و عرف حاکم بر جامعه با تصویب قوانین مناسب ضامن حقوق اشخاص و امنیت شود. یکی از چالش‌هایی که امروزه دولت به‌عنوان بخشی از جامعه مدنی در خصوص جرم قتل نفس با آن روبه‌رو هست، اعمال کیفر متناسب با این جرم است تا جایی که در میان بعضی از قبایل استان لرستان، تنها راه حل اختلاف را قصاص قومی می‌دانند، یعنی تنها قبیله مقتول می‌بایست یکی از افراد قبیله قاتل را قصاص کند و به اعدام قاتل از طریق حکومت مرکزی قناعت نمی‌نماید (عبدی، ۱۳۶۷: ۲۰۳). لذا در این مقاله با تبیین نحوه مشارکت دولت با اولیای دم به‌عنوان بزه‌دیده ثانویه در قالب سیاست جنایی مشارکتی، در پی پاسخ به این پرسش اساسی هستیم که آیا دولت توانسته حمایت لازم و کافی از مقتول به‌عنوان بزه‌دیده اولیه داشته باشد؟

در سیاست جنایی مشارکتی اتخاذی در قبال قتل عمدی، اولیای دم نیز در کنار سایر مراجع اجتماعی (جامعه مدنی و مجرم) نسبت به پدیده مجرمانه قتل واکنش نشان می‌دهند. واکنش و نقش اولیای دم در مواردی چه بسا پررنگ‌تر و مؤثرتر

از واکنش و نقش آن مراجع هست و مسلم است که اجازه مداخله و مؤثر اولیای دم در تعقیب مطالبه و اعمال کیفر بر قاتل بیش‌تر در بعد سیاست جنایی مشارکتی قابل طرح هست. مقاله حاضر در سه محور ساماندهی شده است: نخست مفاهیم و چارچوب نظری موضوع تبیین گردیده است؛ سپس به جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی در اجرای قصاص نفس پرداخته‌شده و درنهایت، با اشاره به جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی در سقوط قصاص نفس برابر ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از مباحث مطرح‌شده نتیجه‌گیری شده است.

۲- روش تحقیق: این پژوهش بصورت توصیفی-تحلیلی است.

بحث و نظر

سیاست جنایی به دنبال وضع قواعد و قوانینی است که با توجه به پیشرفت جوامع و ازدیاد جرائم، کلیه جرائم مهم را زیر سیطره قانون درآورد. در ضمن بتواند از حقوق زیان‌دیده نیز به نحو احسن حمایت کند. ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که برگرفته‌شده از متون فقهی هست، سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران را در خصوص قصاص تبیین نموده است. در این ماده با در نظر گرفتن یک سری پارامترهایی از حقوق مقتول به‌عنوان بزه‌دیده اولیه و اولیای دم به‌عنوان بزه‌دیده ثانویه حمایت‌شده است.

۱- مفاهیم و چارچوب نظری موضوع

برای تبیین بهتر گفتمان سیاست جنایی مقنن ۱۳۹۲ در ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی، توصیف متغیرهای تحقیق و آشنایی اجمالی با مفهوم، مصادیق و ماهیت آن‌ها ضروری است.

۱-۱- مفهوم سیاست جنایی و گونه شناسی آن

به نظر فوئر باخ^۱، سیاست جنایی شامل مجموعه شیوه‌های سرکوبی است که دولت از رهگذر آن‌ها با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. در تعریفی موسع، سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی تلقی شده است که هیأت اجتماع با

^۱ - Feuerbach

توسل به آن‌ها پاسخ‌ها را به پدیده مجرمانه سازمان می‌بخشد. به عبارت دیگر، سیاست جنایی سازمان‌دهی مبارزه علیه بزهکاری است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۶۰)

سیاست جنایی به اعتبار مراجع مختلف اتخاذ کننده به چهار نوع تقسیم می‌گردد. سیاست جنایی تقنینی توسط قوه مقننه در مجلس شورای اسلامی اتخاذ می‌گردد. پس روشن است که سیاست جنایی تقنینی توسط قوانین مختلف که به تصویب مجلس می‌رسد بر جامعه اعمال می‌شود و با داشتن افراد متخصص، کاردان می‌توان امید داشت که قانون‌گذار رسالت خود را در فرآیند سیاست جنایی به خوبی انجام می‌دهد. مقصود از سیاست جنایی قضایی، نحوه اعمال مجازات در دادگاه‌ها توسط قضات است که مواد قانونی تصویب‌شده را در اختیار دارند. درست است که اختیارات دادگاه در اعمال سیاست جنایی محدودتر از اختیارات قوه قانون‌گذاری است ولی به جرأت می‌توان گفت این نوع سیاست از حیث این‌که قضات دادگاه‌ها به‌طور عملی و عینی با مجرمان مواجه می‌گردد، با توجه به شخصیت مجرم می‌توانند سیاست جنایی را به سمت مطلوبی هدایت نمایند و در هر پرونده به‌صورت موردی این مهم را انجام دهند. سیاست جنایی اجرایی هم که از سوی قوه مجریه در راستای تطبیق با سیاست جنایی تقنینی اعمال می‌گردد، هرچند قوه مجریه فاقد ساز کارهای کیفری است ولی با توجه به نظارت خود و همچنین با ضمانت اجراهای اداری و با لویج‌ارسالی خود به مجلس می‌تواند در سیاست جنایی اتخاذی نقش چشمگیری داشته باشد.

شرکت دادن جامعه مدنی به‌خصوص مردم در این پروسه صرف‌نظر از نشان دادن کارایی مردم در این عرصه خود به این معنا است که پیشگیری و حتی تأمین امنیت به این گروه از جامعه نیز برمی‌گردد. به عبارت دیگر، برای تحقق یک سیاست جنایی واحد در سطح کلان، نه‌تنها مشارکت طیف گسترده‌ای از کنشگران این عرصه را نیاز دارد، بلکه نوعی هماهنگی و انسجام در بین تمامی ارکان فوق را می‌طلبد. بنابراین، سیاست جنایی مشارکتی یعنی سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس

و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم‌شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است. (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۶) مشارکت مردم در امور عمومی از آنجایی ضرورت دارد که باعث آشنایی مردم با امکانات و محدودیت‌های موجود در نظام پیرامون آن‌ها می‌شود. مشارکت، تجربه شهروندی را فعال و مترقی ساخته و شهروندان را نسبت به نظام علاقه‌مند می‌کند و باعث افزایش آگاهی ایشان درباره وظایف دولت، مردم، محدوده‌ها و محدودیت‌های دیگران می‌شود. (قبادی، ۱۳۸۱: ۳۸/۱) به عبارت دیگر، انحراف از هنجارها و نرم‌های اجتماعی و توسعه و آسیب‌های اجتماعی از نوع ازهم‌گسیختگی و از خودبیگانگی یا ضدیت با نظم، هرکجا که در بین صاحب‌نظران مطرح می‌شود، همواره نقطه مقابل و نسخه بدل انسجام، پیوستگی، همبستگی و مشارکت اجتماعی است. مدل سیاست جنایی مشارکتی، مبتنی بر مشارکت فعال شهروندان در پیشگیری و پاسخ بر انحراف و بزه است؛ مشارکتی نه جهت بسط سلطه اقتدار تام‌گرا، بلکه در جهت تحقق آرمان‌های عدالت ترمیمی. (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۲: ۱۱) در باب قصاص نیز علاوه بر دخالت دولت، مردم هم به‌ویژه اولیای دم در اجرای قانون نقش مؤثری دارند. بدین ترتیب در کنار جنبه عمومی جرم (نقش دولت)، اولیای دم نیز در جنبه خصوصی جرم به‌طور مشارکتی به جرم بزرگ قتل پاسخ می‌دهند.

۱-۲- اهداف تشریح قصاص و جایگزین آن

قصاص یکی از احکام کیفری در اسلام است که قرآن آن را مایه حیات جامعه می‌داند. تشریح حکم قصاص برای جلوگیری از انتقام‌های کور و دور از عدالت، همچنین برای جلوگیری از جرأت یافتن جنایتکاران در قتل شهروندان، وضع شده است. حیات اجتماعی سالم در گروهی وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، در گروهی حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است. حکم قصاص برای محافظت رکن مهم جامعه، یعنی جان افراد، در برابر جنایتکاران وضع شده است. اسلام از یک‌سو آن را از

رفتاری بی‌محاکمه، به حوزه قاضی و قضاوت می‌کشاند و از این طریق آن را از رفتاری غیرحقوقی به عملی تبدیل کرد که برای شناخت جرم، مجرم و میزان جرم، نخست می‌بایست دادگاهی تشکیل شود، تا هر نوع جزایی برحسب آن و با عدالت صورت گیرد. از سویی دیگر، آن را از صورت انتقام خارج ساخته و به قصاص بدل ساخت؛ وضع حقوقی نابسامانی که جوامع آن زمان گرفتارش بودند. قرآن فرمود: «و بر آن‌ها در آن مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در برابر بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در برابر دندان هست و هر زخمی قصاص دارد و اگر کسی آن را بیخشد کفاره او محسوب می‌شود و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند ستمگر است.»

مهم‌ترین دلیل وضع حکم قصاص در قرآن، حفظ حیات جامعه دانسته شده است. خداوند در سوره بقره درباره فلسفه قصاص می‌فرماید: «و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقواییشه کنید.» یعنی هدف از قصاص، اعدام نیست. هدف زندگی و حیات است؛ هدف ترمیم دوباره امور و بازگرداندن فرد یا جامعه به وضعیت عادی است. اگر کسی بدون دلیل و مستقل از اندام‌های رسمی جامعه اقدام به قتل نفس کند، حیات اجتماعی به مخاطره می‌افتد و قصاص برای تضمین حیات اجتماعی و فردی است. لذا یکی از اهداف حقوق کیفری اسلام و چه‌بسا مهم‌ترین هدف آن، حفظ نظام اجتماعی و دینی است و این هدف بلند تأمین نمی‌شود، مگر این‌که انسان‌ها از طریق اصلاح و تربیت یا از طریق ارباب و ترس از مجازات، از ارتکاب اعمالی که ارکان نظام اجتماعی را خدشه‌دار می‌کند، بازداشته شوند.

مجازات اصلی قتل عمدی، قصاص است. لازم به یادآوری است که تقاضای قصاص، حق ولی یا اولیای دم است و بدون اذن و تقاضای ولی دم قصاص، رأساً اجرا نمی‌شود. مجازات دیه نیز در بعضی موارد، برای جرم قتل عمدی پیش‌بینی شده است که در این صورت جانشین مجازات اصلی قتل عمدی یعنی قصاص نفس می‌شود. به عبارت دیگر، دیه بدل از قصاص بوده و واکنش بدلی و جایگزین است. در مواردی نظیر توافق قاتل با ولی دم، پدر یا جد پدری مقتول بودن، دیوانه بودن مقتول و

مسلوب الاختیار بودن قاتل، قانون مجازات اسلامی دیه را پس از قصاص به‌عنوان یکی از مجازات اصلی پذیرفته است. یکی دیگر از مجازات قانونی برای قتل عمدی، تعزیر قاتل است که در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، در مورد فقدان شاکی یا گذشت او یا عدم قصاص به هر علتی، بدان تصریح شده است. البته، در ماده فوق، قید «در صورت اخلال در نظم و یا ...» آورده شده است که شرطی زائد می‌باشد. چراکه هر قتلی با توجه به اهمیت آن موجب اخلال در نظم عمومی و مرتکب یا دیگران می‌شود. لذا برای تنبیه مرتکب یا تنبیه دیگران، تعزیر امری ضروری است. (آقائی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۳-۱۴۲)

۱-۳- ماهیت دعوی قتل عمدی

قتل از نظر لغوی به معنای سلب حیات است و حرمت جان و بدن انسان مقتضی محافظت از هرگونه خطر است. در فقه امامیه، قتل خارج کردن جان محترم و برابر از تن است که اصطلاحاً از تعبیر «ازهاق نفس» یعنی خارج کردن نفس استفاده شده است و مجازات جنایت عمدی، قصاص است: «العمد قود» (کارخیران، ۱۳۹۲: ۳۷۹/۲) در دین مقدس اسلام، سلب حیات از انسان زنده، به‌گونه‌ای که جسم و تن مقتول از لحاظ قانونی و شرعی تحت حمایت بوده باشد، از گناهان کبیره بوده و حرام هست. در اصطلاح حقوقی نیز قتل عمدی سلب عمدی حیات از دیگری برخلاف قانون است. (آقائی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۸) جنبه عمومی قتل عمدی مهم‌تر از جنبه خصوصی آن هست. در دعوی مربوط به قتل، قبل از مداخله اولیای دم دادستان می‌تواند از حیث جنبه عمومی جرم تحقیقات خود را شروع کند. دادستان نیز به نیابت از دولت و اجتماع اقدام می‌کند. (النیراوی، ۱۹۹۶: ۳۶)

در سیاست جنایی مشارکتی نقش دولت در جنبه عمومی و خصوصی قتل عمد بارز است. دعوی عمومی در قتل از یک‌سو قابل اسقاط یا مصالحه و سازش نیست، از سوی دیگر، پاسخ به جرم و انتخاب متغیرهای کیفری و قابل دسترسی با دولت است. درحالی‌که دعوی خصوصی قابل اسقاط و مصالحه و از نظر

و تصمیم به صورت از بالا به پایین نیست، بلکه از پایین به بالا نیز خواهد بود. (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۹۵) مشارکت مردم به عنوان کلید موفقیت برای امنیت اجتماعی است، به ویژه در جرم قتل عمدی که باعث سلب امنیت جامعه و خانواده مقتول هست. با به کار بردن سیاست جنایی مشارکتی می‌توان بر موانع موجود بر سر راه توسعه و ایجاد امنیت غلبه کرد و این کار را با دادن فرصت کامل به مردم برای مشارکت در تمام فعالیت‌های مربوط به پیشگیری و پاسخ‌گویی به پدیده مجرمانه ساماندهی نمود. لذا مشارکت امری موجه است. چون نه تنها اراده اکثریت را بیان می‌کند (مثلاً نظر تمام اولیای دم)، بلکه تنها راه صلح‌آمیز برای نیل به اهداف مهم اخلاقی، انسانی، فرهنگی و اقتصادی است. (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۹۷)

هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی مجازات و بازپذیری اجتماعی بزهکاران است. در واقع، تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد و آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله تفکیک‌ناپذیرند و همه دست‌اندرکاران آن را درک می‌کنند، از این رو سیاست جنایی مشارکتی بر آن است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید. (لازرژی، ۱۳۸۲: ۱۲۹) هم‌چنین توسل به سیاست جنایی مشارکتی در مقام پاسخ‌گویی به پدیده مجرمانه نیازمند آن است که در پاسخ‌های خود نهادهای مسئول امنیت پلیس و دادگستری نیز تجدیدنظر شود. به دیگر سخن، پلیس و دادگستری باید به اجرای شیوه‌های جدید اقدام و مداخله تمایل داشته و بر این اساس در عملکرد خود بازنگری داشته باشد. یکی از شیوه‌های جدید، ایجاد پلیس محلی است. مأمور پلیس محلی تنها یک مأمور مراقب محل نیست، بلکه باید بر ساکنان محل مأموریت خود ارتباط نزدیکی برقرار کند. از نیازهای آن‌ها در مورد امنیت مطلع شود و بر پایه اطلاعاتی گردآوری شده در مورد ماهیت مفیدترین اقدام‌ها و نوع خدمات متناسب با وضع و شرایط محل تصمیم بگیرد. هم‌چنین پلیس محلی، ساکنان محل مأموریت خود را در فعالیت‌های خود کاملاً شریک می‌کند. (نجفی

پاسخ‌ها منوط و متوقف بر توافق مشارکتی اولیای دم و رضایت خاطر آن‌ها است. در واقع، دعوی خصوصی بزه‌دیده مدار و ابتکار پاسخ‌ها در آن اعم از کیفری و حقوقی و ترمیمی در دست بزه‌دیده است و دولت نقش امداد رسانی و اطلاع‌دهی و حمایت روانی را بر عهده دارد. به عبارت دیگر، دعوی خصوصی زمینه مشارکت غیر تکمیلی و فعال شهروندان را در تحقق عدالت ترمیمی مساعد مطلوب می‌کند. نظام کیفری نقش نمادین می‌یابد و به دلیل همین خصیصه متمایز است که در گفتمان سیاست جنایی اسلامی که مبتنی بر ایدئولوژی بازپذیری است نه امنیت گرا؛ نقش دعوی خصوصی که مقتضی دخالت فعال شهروندان در پاسخ به بزه است، اهمیت بنیادین می‌یابد. بدین ترتیب در سیاست جنایی مشارکتی اسلامی بدون رسالت سزادهی و ارباب صرف، بلکه در ملاحظه‌ای چند سویه به بازپذیری بزهکار و حمایت از بزه‌دیده در ضمن رعایت مصالح اجتماعی تأکید می‌شود. اصولاً اصطلاح حق الناس در فقه جزا تلویحی از حق دخالت و مشارکت جدی شهروندان در دعوی و نمادین بودن نظام کیفری است. (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۸: ۶) در آیات قرآن و آموزه‌های فقهی و مقررات قانونی بر خصوصی بودن دعوی و دخالت و مشارکت اولیای دم و مقتول در تعیین نوع متغیر جزایی و حقوقی تأکید ویژه‌ای شده است. بنابراین سیاست جنایی مشارکتی در باب قصاص هم بر کارآیی دستگاه عدالت قضایی می‌افزاید و هم با همبستگی و مشارکت اولیای دم احتمال بازپذیری اجتماعی متهم مثلاً با رضایت دادن آن‌ها محقق می‌شود.

۲- رویکرد سیاست جنایی ایران به مشارکت هیأت اجتماع و دولت در ماده ۳۸۱ ق.م.ا.

مشارکت مردم به گونه‌های مختلف در اداره امور از اهمیتی والا برخوردار است. امروزه برای برنامه‌ریزان، تکیه بر الگوهای توسعه درون‌زا و خودیار امری ضروری است، زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اجرا شود، افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هر کدام نظر اصلاحی برای ایجاد امنیت اجتماعی بدهند. در واقع می‌توان گفت که یک نوع ارتباط دوسویه تعاملی به وجود می‌آید که در آن دیگر فرآیند مدیریت

ساخته است.» (ماده / ۳۱) بنابراین سلب حیات انسان دیگر و عمل قتل در نظر حقوق اسلام زشت‌ترین عمل انسان در پیشگاه خداوند متعال و امت است و حتی آن را با قتل یک جامعه مساوی دانسته و در آخرت و دنیا برای آن مجازات قرار داده است. نه تنها در شرع مقدس اسلام، قتل و کشتن انسان زنده، عملی خطرناک برای جامعه است، در جوامع و قوانین کشورهای دیگر نیز مجازات قتل عمدی اعدام هست و حتی در جوامع ابتدایی در صورت قتل یا مشارکت افراد در قتل، مجنی‌علیه یا اولیای دم او شخصاً از فرد مرتکب و خانواده و طایفه او انتقام می‌گرفتند.

۳-۱- نقش مقتول

عاملی که موجب سقوط قصاص می‌شود، بخشیده شدن جانی از سوی مجنی‌علیه یا اولیای دم است. علی‌رغم به رسمیت شناختن حق مجنی‌علیه یا اولیای دم نسبت به درخواست اجرای قصاص، آموزه‌های دینی تشویق به بخشیدن جانی کرده‌اند، به طوری که قرآن مجید، پس از بیان حکم قصاص قاتل، از وی به عنوان برادر خانواده بزه‌دیده نام برده و بخشیدن وی را کاری نیکو دانسته است. پاداش کسی که عفو کند با خدا و صبر کردن، کاری شایسته دانسته شده و لذا عفو بر قصاص برتری دارد و از آن افضل است. از نظر حقوقی نیز اگر مقتول یا اولیای دم گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه‌المصالحه یا امری دیگری کنند، حق قصاص تا حاصل شدن مبلغ، برای آن‌ها حفظ می‌شود و حتی در صورت عدم پرداخت مبلغ، پرونده برای بررسی به همان دادگاه ارجاع می‌شود. گذشت یا مصالحه قبل از صدور حکم یا پس از آن موجب سقوط حق قصاص است و رجوع از گذشت هم قابل قبول نیست. نکته قابل توجه این‌که، مقتول می‌تواند بعد از وقوع جنایت و قبل از مرگ از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید که در این صورت اولیای دم و وارثان نمی‌توانند بعد از فوت مقتول حسب مورد درخواست قصاص یا دیه کنند، لیکن مرتکب یا جانی به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود.

ابرنادآبادی، (۱۳۷۹: ۲۵) بدین ترتیب هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی یعنی تأمین امنیت می‌تواند با هم‌جواری زمانی و مکانی دست‌اندرکاران دولتی و جامعه‌ای از رهگذر پیشگیری و سرکوب کیفری بزهکار و نیز بازپذیری اجتماعی بزهکاران جایگاه واقعی خود را پیدا کند. مبنای اصلی مشارکت در پیشگیری از جرم این است که مؤثرترین روش مقابله با جرم و ارتقای کیفیت زندگی در جامعه دخالت خود شهروندان و فعالیت آن‌ها جهت پیشگیری از جرم است. (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۹۸)

ماده ۳۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ولی دم را همان ورثه مقتول می‌داند به جزء زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد. در صورت تعدد اولیای دم، حق قصاص برای هر یک از آنان به‌طور جداگانه ثابت است و امکان قصاص قبل از فوت مجنی‌علیه به‌هیچ‌وجه صورت نمی‌گیرد و اگر اقدام به قتلی بشود خود عمل مستحق قصاص است و جنین را در صورتی ولی دم محسوب می‌کنند که زنده متولد شود. به حکم ماده ۳۵۶ این قانون نیز اگر مقتول ولی دمی نداشته یا شناخته نشود یا دسترسی نباشد یا ولی دم صغیر یا مجنون باشد، ولی او مقام رهبری است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند. بنابراین شروع اجرای قصاص با اولیای دم است و این یعنی سیاست جنایی مشارکتی که یک‌طرف آن اولیای دم و در صورت نبودن اولیای دم مقام رهبری است و طرف دیگر مشارکت، مقام رهبری است؛ لذا با تلاش دولت و مردم، اجرای قصاص صورت می‌گیرد.

۳- جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی در اجرای قصاص نفس

قتل یکی از طبیعی و قدیمی‌ترین جرائم علیه اشخاص و جنایات است که امنیت اجتماع را مختل می‌کند، به همین جهت کیفر و عقوبت آن را شریعت اسلام از شدیدترین کیفر و عقوبت‌ها در دنیا و آخرت مقرر نموده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هرکس دیگری را بدون این‌که به لحاظ قصاص و فساد او در زمین باشد بکشد مثل این است که تمام مردم را کشته است و آن‌که او را زنده کند مثل این است که همه مردم را زنده

۳-۲- نقش ولی دم

قصاص یک حق شخصی است و طبق آیه ۳۳ از سوره اسراء سلطه بر قاتل را برای اولیای دم به رسمیت شناخته است. لذا در قتل عمدی، اولیای دم باید مطالبه اجرای قصاص نمایند وگرنه قصاص قابل اجرا نخواهد بود و افرادی که می‌توانند به‌عنوان اولیاء دم مطالبه قصاص نمایند، در ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مشخص شده‌اند. البته طبق ماده ۲۵۳ قانون مذکور، هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند حق قصاص به ورثه او می‌رسد، حتی اگر همسر مجنی‌علیه باشد.

در سیاست جنایی مشارکتی، تقاضای اولیای دم در قصاص اعم از این‌که یک نفر باشد یا متعدد، هیچ تفاوتی ندارد. مهم این است که مشارکت صورت گرفته است و مشارکت اولیای دم در حل و فصل اختلافات کیفری باید آگاهانه و ارادی و تأثیرگذار در جریان رسیدگی به دعوی مطروحه باشد. در صورتی‌که ولی دم واحد، بالغ و عاقل باشد می‌تواند قصاص جانی را خواستار شده یا وی را با اخذ دیه یا بدون اخذ دیه عفو نماید. در صورتی‌که اولیای دم متعدد همگی بالغ، عاقل و در دسترس باشند و همه آن‌ها خواستار قصاص یا عفو بدون اخذ دیه یا عفو با اخذ دیه داشته باشند، در این صورت جانی قصاص یا عفو می‌شود یا دیه‌ای که پرداخت می‌کند به نسبت سهم‌الارث بین اولیای دم تقسیم می‌شود. هرگاه اولیای دم متعدد و برخی خواستار قصاص و برخی خواستار عفو بی‌قید و شرط و برخی خواستار عفو پس از اخذ دیه باشد در این صورت هم، اولیای دمی که خواستار قصاص هستند جانی را قصاص می‌کنند، درحالی‌که سهم اولیای دمی را که خواستار دیه بوده‌اند به آن‌ها می‌دهند و یا اگر آن‌ها خواستار عفو بدون قید و شرط جان بوده‌اند، این سهم را به خود جانی داده و وی را قصاص می‌نمایند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱/۱۷۹) ماده ۴۲۳ قانون مذکور اشاره داشته است: «در هر حق قصاص اگر بعضی از صاحبان آن خواهان دیه باشند یا از قصاص مرتکب گذشت کرده باشند، کسی که خواهان قصاص است باید نخست سهم دیه دیگران را در صورت گذشت آنان به مرتکب و در صورت درخواست دیه به آنان بپردازد.»

نقش اولیای دم در سیاست جنایی مشارکتی در این قسمت از شرایط اجرای مجازات قصاص خیلی مهم‌تر و پررنگ‌تر است به‌طوری‌که اگر قصاص بدون اذن ولی دم صورت گرفته باشد، قتل جدیدی مطرح می‌گردد. اگر اولیای دم سرنوشت پرونده یا مقتول را تعیین نکرده باشند، ماده ۴۲۹ بیان می‌کند که در مواردی که محکوم به قصاص، در زندان است و صاحب حق قصاص، بدون عذر موجه یا به علت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقه ولی دم یا مجنی‌علیه، مرتکب را در وضعیت نامعین رها نماید با شکایت محکوم‌علیه از این امر دادگاه صادرکننده حکم، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا اجرای قصاص اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت دادگاه می‌تواند پس از تعیین تعزیرات بر اساس کتاب پنجم تعزیرات و گذشتن مدت زمان آن با اخذ وثیقه مناسب و تأیید ریس حوزه قضایی و رئیس کل دادگستری استان تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص، مرتکب را آزاد کند. بنابراین در سیاست جنایی مشارکتی بر اساس شرایط اجرای قصاص اذن ولی امر (نقش دولت) مقدم‌تر از اذن ولی دم هست و حتی اگر ولی دم تعیین تکلیف مقتول را مشخص نکرده باشند، دولت خود وارد عمل شده و ولی دم را مجبور به پاسخ دادن به سرنوشت مقتول می‌نماید. لذا در این قسمت نیز نقش دولت و مردم در پاسخ به جرم قتل عمدی به‌طور مساوی و مشارکتی هست.

۳-۳- نقش مقام رهبری

اجرای کیفر از اختیارات حکومت بوده و از شؤون حاکم سیاسی قلمداد می‌گردد زیرا این امر نیاز به دقت و آشنایی با موازین دارد و عدم رعایت این اصل موجب هرج و مرج و احیاناً تضییع حقوق افراد خواهد شد و با لزوم احتیاط در دماء منافات دارد. پس در سیاست جنایی مشارکتی که ترکیبی از دولت و ملت است، نقش دولت مهم‌تر بوده که آن هم به مصلحت جامعه است. تصدی اجرای حدود الهی توسط رهبری محل اتفاق نظر فقهای اسلامی نیست و برخی از فقها به دلیل اهمیت سیاسی، اجتماعی و حقوقی آن در اختیارات فقیه برای تصدی آن تردید نموده‌اند.

دولت و در دست گرفتن سرنوشت دعوی تأکید دارد. (شاکری گلیپایگانی، ۱۳۸۸: ۱۵)

۳-۵- مشارکت بیت‌المال با ولی دم غیر متمکن در تأدیه فاضل دیه

ماده ۴۲۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای اولین بار مطرح کرده است که در مواردی که جنایت نظم و امنیت عمومی را بر هم زند یا احساسات عمومی را جریحه‌دار کند و مصلحت در اجرای قصاص باشد، لکن خواهان قصاص تمکن از پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد، با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوه قضائیه، مقدار مذکور از بیت‌المال پرداخت می‌شود. این نوآوری مقنن بر سیاست جنایی مشارکتی تأکید بیش‌تری می‌نماید و لذا نقش دولت در پاسخ به قتل عمدی که از طرف اولیای دم به خاطر عدم تمکن تفاضل دیه صورت می‌گیرد پر رنگ‌تر بوده و درنهایت، دولت و مردم به این جرم پاسخ می‌دهند.

۳-۶- نقش دولت در ممنوعیت آزار رسانی به جانی

اعمال کیفر به صورتی که از آن رنجی بیش از میزان متعارف مجازات ناشی شود، ممنوع شده است. زیرا ایذاء بزهکار فراتر از آنچه به دنبال مجازات پیش‌بینی شده است، توجیه قانونی و شرعی نداشته و خود موجب تعدی و هتک حرمت بزهکار است. چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند در هر چیزی به نیکویی امر فرموده است، هنگامی که می‌کشید به نیکویی بکشید و هنگامی که حیوانی را ذبح می‌کنید خوب ذبح کنید. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶۶) منع آزار و اذیت جانی در قصاص، به‌عنوان جلوه دیگر نظارت دولت در پاسخ‌دهی اولیای دم به جرم قتل عمدی در مواد ۴۳۶ قانون مجازات اسلامی بیان شده است. ماده ۴۳۶ مقرر می‌دارد: «قصاص نفس فقط به شیوه‌های متعارف که کم‌ترین آزار را به قاتل می‌رساند، جایز است و مثله کردن او پس از قصاص، ممنوع و موجب دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات است.»

۴- جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی در سقوط قصاص نفس

عفو جانی و معاف نمودن او از مجازات، یکی از ابزارهای

(عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۱۶۹) ولی مواد ۴۱۷ الی ۴۲۰ قانون مجازات اسلامی، به اذن از مقام رهبری یا نماینده او قبل از اجرای قصاص از سوی ولی دم تأکید کرده‌اند. اگر اولیای دم بدون اذن مقام رهبری یا نماینده ایشان به قصاص جانی بپردازد یا اگر صاحب حق قصاص، برخلاف مقررات اقدام به قصاص کند به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت هرچند در سیاست جنایی مشارکتی، نقش مقام‌های دولتی و عمومی، نسبت به جنبه خصوصی جرم قتل عمدی، قوی‌تر است ولی کفه ترازو در پاسخ به جرم قتل عمدی هم از طرف دولت و هم از طرف اولیای دم مساوی است؛ به‌طوری‌که هر دو یعنی دولت و جامعه در پاسخ به جرم مشارکت دارند و هم‌چنین در مواردی رهبر هم می‌تواند طبق ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان وارث مقتول باشد.

۳-۴- نقش دولت

با پیشرفت سریع جوامع، روابط افراد روزبه‌روز پیچیده‌تر و نقش دولت به نحو چشم‌گیری محسوس می‌گردد و از این دوره است که جرم قتل به‌عنوان مهم‌ترین جنایت عمومی و دولتی جوامع شناخته شده و برای آن مجازات اعدام و قصاص تعیین شده است. (شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۷۲/۱) در نهایت، صرف وجود شرایطی که برای قصاص ضروری است موجب نمی‌شود که بتوان قصاص را علیه جانی اجرا کرد، بلکه اجرای قصاص منوط به وجود شرایطی است که دولت و جامعه محلی باید مشارکت داشته باشند. دولت اسلامی به دلیل التزام ناشی از قاعده «لایبطل دم امرء مسلم» و ضرورت حمایت از حق حیات فرد که مورد تجاوز واقع شده، ملزم به اقامه دعوی عمومی و پاسخ به پدیده مجرمانه است و به دلیل خصیصه‌های ذاتی دعوی عمومی، برخوردار از حق اسقاط یا عفو نیست و تنها در انتخاب متغیر کیفری یا حقوقی دارای اختیارات قضایی است. بنابراین سیاست جنایی سنجیده و سازمان‌یافته ماده ۳۸۱، به‌رغم تأکید بر خصیصه مشارکتی آن و بزه‌دیده مداری، به رسالت محوری

مشارکت با اولیای دم و به خاطر حمایت از هدر نشدن خون مقتول، بدین‌وسیله با پرداخت دیه از بیت‌المال، به جرم قتل عمد پاسخ می‌دهد.

۴-۲- عفو از طرف اجتماع و دولت

قرآن کریم، تأثیر اراده اولیای دم در دفع قصاص را که در واقع ناشی از حق‌الناس قلمداد شدن جنایت است مبتنی بر احسان و رحمت دانسته و این امر را تخفیفی بر بزهکار از سوی پروردگار محسوب کرده است. پس هر کس مرتکب قتل شد و از سوی ولی مقتول، به حکم این که برادر دینی اوست، چیزی از حق قصاص به وی بخشیده شد، باید ولی مقتول به‌طور شایسته درصدد گرفتن دیه برآید و قاتل نیز به‌خوبی و با پرهیز از تأخیری آزاردهنده دیه را بپردازد. این حکم، تخفیف و رحمتی از جانب پروردگار شما است. پس هر کس بعد از بخشیدن قاتل و گذشت از حق قصاص، از قانون الهی تجاوز کند و قاتل را قصاص نماید، او را عذابی دردناک خواهد بود. مقنن اسلامی علی‌رغم توجه جدی به جبران خسارات و ایجاد آرامش روانی اولیای دم و برگشت امنیت به جامعه، صاحب حق را به عفو و گذشت ترغیب کرده و از این راه دفع مجازات را به اراده آزاد اولیای دم گذاشته است. اگرچه حکم قتل عمدی قصاص است، لیکن اولیای دم می‌توانند جانی را به‌طور کلی بدون اخذ دیه عفو نموده یا به دیه یا مبلغی کم‌تر یا بیش‌تر از آن مصالحه نمایند. در ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هم آمده است که گذشت یا مصالحه پیش از صدور حکم یا پس از آن موجب سقوط حق قصاص است و طبق ماده ۳۶۴ رجوع از گذشت پذیرفته نیست؛ لذا اگر مجنی‌علیه یا ولی دم پس از گذشت، مرتکب را قصاص کند مستحق قصاص است. پس سیاست جنایی مشارکتی در عفو قتل عمدی در باب قصاص باید اولیای دم رضایت کامل خود را با اراده کامل بیان کنند و در کنار آن دولت، پاسخ نهایی را به جرم قتل عمدی بدهد تا در سایه آن امنیت به اجتماع برگشت شود. تفاوت عفو با صلح در این است که عفو، سقوط حق قصاص است بدون عوض و صلح اسقاط حق قصاص است در ازای دریافت دیه؛ برخلاف صلح که رضایت جانی شرط است، در عفو رضایت قاتل بر عفو شرط

سیاست جنایی در اکثر کشورها هست. عفو در دو مقوله عفو عمومی که توسط مقنن به‌صورت تصویب قانون اجرا می‌شود و عفو خصوصی که شخص اول مملکت به محکومان اعطا می‌نماید، از ابزارهایی است که سیاست جنایی مبتنی بر اصلاح مجرمان به‌عنوان وسیله‌ای مناسب در اختیار دارد. ولی مراد ما از عفو در این نوشتار عفو به معنی مصطلح آن در حقوق کیفری که شامل عفو عمومی و عفو خصوصی است، نیست. بلکه مراد از عفو در اینجا بخشش و گذشت اولیای دم از قصاص هست. در قرآن کریم در آیه ۱۷۸ از سور بقره، حکم قصاص را بیان فرموده و بلافاصله اولیای دم را به عفو توصیه می‌فرماید. شارع مقدس، قاتل را به‌مجرد ارتکاب جرم مطرود و از جامعه منزوی نساخته و هم‌چنان رابطه عاطفی برابری و اخوت را به‌رغم ظهور رفتار مجرمانه پدیدار می‌داند و از قاتل در آیه فوق از «اخی» یاد می‌کند. پس هر کس مرتکب قتل شد و از سوی ولی مقتول، به حکم این که برادر دینی او است، چیزی از حق قصاص به وی بخشیده شد، باید ولی مقتول به‌طور شایسته درصدد گرفتن دیه برآید و قاتل نیز به‌خوبی و با پرهیز از تأخیری آزاردهنده دیه را بپردازد.

۴-۱- مرگ جانی

هرگاه کسی که عمده مرتکب جنایت شده است بمیرد، قصاص موضوعاً منتفی می‌شود زیرا مجازات اصلی و ابتدایی در جنایات عمدی قصاص است نه یکی از دو مورد قصاص و دیه، لیکن مقنن در قانون مجازات اسلامی جدید با تأسی از آموزه‌های فقهی نظیر «هدر نرفتن خون مسلمان» و «سلطنت مطلق اولیای دم» (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۲۱۶)، در ماده ۴۳۵ اشاره کرده است که در صورت مرگ یا فرار مرتکب با درخواست صاحب حق دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در قتل عمد ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آن‌ها یا عدم تمکن مالی آن‌ها، دیه در نهایت از بیت‌المال داده می‌شود. بنابراین هرچند مرگ یا فرار مرتکب در صورتی که هیچ‌گاه به او دسترسی نباشد از موارد سقوط قصاص نفس است، لیکن در سیاست جنایی مشارکتی ناظر بر قتل عمدی، دولت در جهت

در سیاست جنایی بر پایه مشارکت هرچه وسیع‌تر و فعال ارکان جامعه مدنی در مراحل مختلف اجرای سیاست جنایی در دیدگاه‌ها و آموزه‌های کیفری و سیاست جنایی دانست. در این راستا مشارکت دولت و جامعه مدنی (اجتماع) یکی از محرک‌های اساسی جبران ضرر و زیان مقتول و اولیای دم بوده است که در گفتمان ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و در سایر مواد قانونی ناظر بر این بحث تحت عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» از آن یاد بردیم. بنابراین نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه با الهام از مبانی فقهی خود و شاید بتوان گفت که بدون توجه به مباحث جدید علمی پیرامون این موضوع، ضوابط و مقررات قابل توجهی برای مشارکت جامعه مدنی در این زمینه را فراهم نموده است که تقریباً برجسته‌ترین جنبه آن به مشارکت بزه‌دیده در فرآیند کیفری مربوط می‌شود. ضمن این‌که جامعه مدنی ایران با تکیه بر تکالیف و آموزه‌های دینی و پشتوانه فرهنگ و سنت غنی مشارکتی خود از قابلیت‌ها و بسترهای مناسبی در این راستا و به‌ویژه در مورد پیشگیری از بزهکاری برخوردار هست.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله بر اساس شیوه نگارش مقالات حقوقی، تماماً توسط نویسنده صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

نیست. عفو جانی فقط موجب سقوط قصاص است و لذا می‌توان قاتل را به حبس تعزیری مقرر در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ محکوم نمود.

۳-۴- به ارث برده شدن قصاص از سوی قاتل

در صورتی که کسی وارث منحصر به فرد دیگری باشد و مورث خود را بکشد، چون با توجه به ماده ۸۸۰ قانون مدنی و ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از وی ارث نخواهد برد، لذا از زمره اولیای دم هم محسوب نخواهد شد. دلیل این امر آن است که ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی، اولیای دم را همان ورثه مقتول دانسته است. بنابراین اگر تنها فرزند کسی او را بکشد، در حالی که مقتول پدر و مادر ندارد، قاتل ولی دم مقتول محسوب نخواهد شد و در نتیجه مورد مشمول ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی شده و ولی امر مسلمین، ولی دم مقتول خواهد شد. با توجه به این عنوان در صورتی که مقتول اولیای دم نداشته باشد، ولی دم مقتول ولی امر (رهبر) که عضوی از دولت است، جانشین اولیای دم شده و می‌تواند قاتل را قصاص یا عفو کند؛ لذا این مورد جزء موارد سقوط قصاص نفس نیست.

نتیجه‌گیری

قتل عمدی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های مجرمانه، همواره یکی از مسائل اساسی جوامع بشری در طول تاریخ بشر بوده است و پیشرفت و تکامل جوامع انسانی نه‌تنها از دامنه آن نکاسته، بلکه بر ابعاد و حجم آن نیز افزوده شده است. پیدایش سیاست جنایی به‌ویژه سیاست جنایی مشارکتی در باب قصاص که برگرفته از فقه اسلامی است را می‌توان از دستاوردهای بشر در این راستا دانست. به‌کارگیری ضمانت اجرای کیفری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران و در نتیجه بروز حس بی‌اعتمادی و ناامیدی و نگرش بدبینانه مردم نسبت به نظام عدالت کیفری، لزوم غلبه بر این بحران و ضرورت افزایش کارایی و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم‌شناختی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی و طرح و اجرای گرایش جدیدی

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- قبادی، علی (۱۳۸۶). ضرورت مشارکت مردم در عرصه‌های فرهنگ، مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی. جلد اول، تهران، نشر آن.

- آشوری، محمد (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری. چاپ اول، تهران: نشر سمت.

- کارخیران، محمدحسین (۱۳۹۲). کامل‌ترین مجموعه محشی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات راه نوین.

- آقای‌نیا، حسین (۱۳۸۵). جرائم علیه اشخاص. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

- لازرژ، کریستین (۱۳۹۲). درآمدی بر سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.

- جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۷). رویکرد مشارکتی در سیاست جنایی ایران. رساله دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- میر حسینی، سید حسین (۱۳۸۴). سقوط قصاص در نظام حقوقی اسلام و ایران. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۲). «دعوی قتل فرزند توسط پدر در سیاست جنایی مشارکتی». فصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۸ (۳۲): ۳۶-۹.

- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). حقوق کیفری اختصاصی؛ جرائم علیه اشخاص. جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.

- شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۸). سیاست جنایی اسلامی. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۵: ۱۵۰-۱۲۹.

- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۳). حقوق کیفری اختصاصی. جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات مجد و ژوبین.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). تقریرات درس جرم‌شناسی. دوره دکتری تخصصی رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- صادقی، احمدرضا (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی سیاست جنایی ایران و افغانستان در قبال جرائم مواد مخدر. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۶). حقوق جزای اختصاصی؛ جرائم علیه اشخاص. چاپ دهم، تهران: نشر میزان.

- عبدی، عباس (۱۳۶۷). مسائل اجتماعی قتل در ایران. چاپ اول، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی عملیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ چهارم، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

References

- Abdi, A (1988). *Social Issues of Murder in Iran*. 1st ed. Tehran: Jihad Daneshgahi Publication. (Persian)
- Aghaei Nia, H (2006). *Crimes against persons*. 2nd ed. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Amid Zanjani, AA (1988). *Jurisprudential Principles of the Operation of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. 4th ed. Tehran: Jihad Daneshgahi Publishing. (Persian)
- Ashouri, M (2007). *Criminal Procedure Code*. 1st ed. Tehran: Samat Publishing. (Persian)
- Ghobadi, A (2007). *The Necessity of People's Participation in the Fields of Culture*. Collection of Articles on Government, People and Convergence, Vol 1, Tehran: An Publishing. (Persian)
- Jamshidi, A (2008). *Participatory Approach to Iranian Criminal Policy*. PhD Thesis in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University. (Persian)
- Karkhiran, MH (2013). *The Complete Collection of Islamic Penal Code Approved in 1392*. Vol 2, 1st ed. Tehran: Rah-e Novin Publications. (Persian)
- Lazerge, C (2013). *An Introduction to Criminal Policy*. Translated by Ali Hussein Najafi Aberandabadi, 5th ed. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Mir Hussein, SH (2005). *The fall of Retribution in the Legal System of Islam and Iran*. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Mir Mohammad Sadeghi, H (2013). *Exclusive Criminal Law; Crimes against Persons*, Vol 1, 12th ed. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Najafi Aberandabadi, AH (2000). "Crime Prevention and Local Police". *Legal Research Quarterly*, 25: 150-129. (Persian)
- Najafi Aberandabadi, AH (2004). *Lectures in Criminology*. PhD in Criminal Law and Criminology, Tehran: Shahid Beheshti University. (Persian)
- Sadeghi, AR (2010). *A Comparative Study of Iran-Afghanistan Criminal Policy on Drug Crimes*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. (Persian)
- Sadeghi, MH (2007). *Exclusive criminal law; Crimes against Persons*. 10th ed. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Shakeri Golpayegani, T (2003). "The case of the murder of a child by the father in participatory criminal policy". *Quarterly Journal of Jurisprudence and Family Law*, 8 (32): 36-9. (Persian)
- Shakeri Golpayegani, T (2009). *Islamic Criminal Policy*. Qom: Islamic Culture Publishing Office. (Persian)
- Shambiati, H (2004). *Exclusive Criminal Law*. Vol 1, 8th ed. Tehran: Majd and Zhoubin Publications. (Persian)